بررسی نظری فروپاشی بازدارندگی اسرائیل:

اهمیت فروپاشی بازدارندگی رژیم صهیونیستی

مصطفی هدایی

هجوم همه جانبه حماس در هفت اکتبر در همان ساعات اولیه برای اسرائیل و جهان مشخص کرد که رژیم صهیونیستی بازدارندگی خود را در برابر حمله نظامی آن هم توسط یک گروه مقاومت که فاقد نیروی حرفه‌ای هوایی، دریایی و حتی زمینی است ازدست داده است. حماس نه جنگنده‌های پیشرفته دارد، نه دارای ناوهای جنگی است و نه نیروی زمینی با تجهیزاتی مانند تانک و نفربر دارد. حال این سؤال مطرح می‌شود، اسرائیل در صورت مورد هجوم واقع شدن توسط یک نیروی مجهز و کاملاً حرفه‌ای به چه سرنوشتی دچار می‌شد؟، مفهوم بازدارندگی، مفهومی راهبردی است و شکست و خلل در آن، برای بسیاری از قدرت‌های نظامی تقریباً جبران ناپذیر است. اما بازدارندگی در سرزمین‌های اشغالی به چه معناست و این امر برای اسرائیل چه هزینه‌هایی به دنبال داشته است.

استراتژی نظامی و بازدارندگی اسرائیل

استراتژی نظامی عبارت است از فن و علم تحول و به کارگیری نیروی‌های مسلح برای دستیابی به اهداف سیاسی-ملی، اهدافی که از طریق کاربرد نیروی مسلح و یا تهدید به استفاده از آن و یا قرار گرفتن توانمندی‌های نیروهای مسلح در محاسبات طرف مقابل، عملی می‌شود. با توجه به تعریف فوق اسرائیل به توانایی و توانمندی نیروی مسلح خود، توجه و اهتمام خاصی دارد. به دلیل ضعف و تزلزلی که جهان عرب از آن رنج می‌برد، اسرائیل توانسته استراتژی نظامی خود را عملی سازد و به تجاوز مستمر خود که تضمین کننده هستی این رژیم است، ادامه دهد. نخستین مشکل اسرائیل مسئله «بودن و نبودن» و به عبارتی «باقی ماندن یا فنا شدن» است. از این جهت ایجاد «امنیت» محور اصلی و مرکز ثقل تفکر استراتژیک را تشکیل می‌دهد. برقراری ثبات و امنیت از بدو ایجاد اسرائیل تاکنون، اولویت اول را در تلاش صهیونیسم به خود اختصاص داده است. حل قطعی این مسئله تنها از طریق افزایش نیروهای لازم برای مقابله با قوایی که امنیت اسرائیل را از خارج تهدید می‌کند، امکان پذیر است.

اصولاً استراتژی‌های نظامی کشورها با توجه به موقعیت جغرافیایی و جایگاه یک کشور در منطقه و جهان طرح ریزی می‌شوند. اسرائیل دارای یکی از قدرتمندترین ترکیب نیروهای مسلح در غرب آسیا است، اما همچنان با چالش‌های روبه رو است که جغرافیا و جمعیت این رژیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اسرائیل کشور کوچکی است که توسط قدرت‌های عرب و مسلمان مرزهای آن محاصره شده است. کل این سرزمین ۷۰۰۲۰ کیلومتر مربع است. ۲۶۶ کیلومتر مرز مشترک با مصر، ۵۱ کیلومتر با غزه، ۷۹ کیلومتر با لبنان، ۲۷ کیلومتر با سوریه، ۲۳۸ کیلومتر با اردن و ۳۰۷ کیلومتر مرز با کرانه باختری دارد. نوار ساحلی آن در قسمت مدیترانه ۲۳۷ کیلومتر و نوار ساحلی کوچکی نیز در بخش خلیج عقبه دارد. همانند همسایگان عرب خود با چالش‌هایی در زمینه تأمین آب و کشاورزی روبه رو است. تنها ۱۶٫۴ درصد این سرزمین قابل کشت است. جمعیت این کشور، بالغ بر ۹ میلیون نفر است، از این جمعیت ۷۳ درصد یهودی و ۲۷ درصد نیز غیر یهود هستند. این شرایط فیزیکی، اسرائیل را به صورت کشور کوچکی درآورده که نه تنها دارای عمق استراتژیک نیست، بلکه مرزهای فعلی آن نیز مورد مناقشه است. بنابراین طرح ریزی هر نوع استراتژی باید براساس همین شرایط موجود باشد. بنا بر منابع رسمی نظامیان اسرائیلی، اهداف آن‌ها «همیشه حصول اطمینان از بقای اسرائیل و امنیت شهروندان» این کشور و سیاست دفاعی آن، حفظ توانایی بازدارندگی توانمند برای جلوگیری از حملات دشمنان بالقوه اسرائیل بوده است. این رژیم بنابر دکترین امنیتی و استراتژی دفاعی خود، نباید حتی در یک جنگ هم شکست بخورد، اگر جنگی به وقوع بپیوندد، اسرائیل ناگزیر است که قاطعانه و به سرعت دشمن را وادار به شکست نماید. در ضمن، به دلیل فقدان عمق استراتژیک، این کشور باید به هر قیمتی مانع از ورود نیروهای دشمن به قلمرو خود شده، تلاش کند تا به سرعت صحنه نبرد را به قلمرو دشمن بکشاند. امری که بارها در دو دهه اخیر با خدشه روبه رو شده و گروه‌های مقاومت توانسته‌اند به قلمرو او ورود کنند، عملیات انجام دهند و تلفات سنگینی به ویژه در جنگ اخیر از طرف مقابل بگیرند.

یکی از اصول سیاست گذاری‌های امنیت ملی اسرائیل، تأکید بر کیفیت و برتری در این زمینه است. با توجه به تفاوت بین اسرائیل و همسایگان عربش از لحاظ مساحت جغرافیایی، جمعیت و منابع اقتصادی، بنیانگذاران این رژیم کوشیده‌اند تا بر دشمنان احتمالی خود با دستیابی بر برتری کیفی مسلط شوند. چنین برتری با اتکا بر فناوری پیشرفته، و نیز انگیزه داشتن، اتکا عمل، مهارت‌های خردمندی و زبردستی تاکتیکی به دست آوردنی است. دولت تل آویو حساسیت خاصی نیز به تسلیحات اتمی از خود نشان داده است. دیوید بن گورین دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را برای امنیت اسرائیل حیاتی می‌پنداشت. وی که نگران ملی گرایی اعراب به ویژه پس از روی کار آمدن عبدالناصر در مصر در سال ۱۹۵۲، در تلاش بود تا زیر چتر هسته‌ای ایالات متحده قرار گیرد. اما دولت آیزنهاور خود را با دولت یهودی متعهد نکرد. رهبران اسرائیلی به این نتیجه رسیده بودند که اساس امنیت ملی خود را باید بر «دفاع از خود» و خوداتکایی، قرار دهند، و بسیاری معتقد بودند که یک زرادخانه هسته‌ای برای بقای دولت یهودی ضروری است.

اسرائیلی‌ها خود را همواره در معرض جنگ می‌بینند و بخشی از این مسئله به غیرممکن بودن یک پیروزی نهایی برای اسرائیل برمی‌گردد. از نقطه نظر آن‌ها، هیچ‌وقت یک نبرد نهایی وجود نخواهد داشت و هیچ‌وقت نمی‌توانند فرض کنند که بتوانند تا با یک ضربه نهایی بر دشمن، به نبرد آخری برسند که پس از آن هیچ‌وقت نیازی به نبرد نباشد. اما شرایط برای همسایگان برعکس این وضعیت است؛ چراکه می‌توانند فرض کنند نبرد بعدی، آخرین نبرد باشد و چنان ضربه‌ای به اسرائیل بزنند که نابود شود.

باتوجه به چنین وضعیتی است که برخلاف تصوری که بسیاری از کشورهای دیگر در مورد جنگ آینده دارند، مقامات اسرائیلی آن را یک تهدید برای تمامیت وجود و بقای خود می‌دانند. افزون بر آن، محدودیت‌های گسترده سرزمینی، جمعیتی و اقتصادی نیز موجب آسیب پذیری فراوان از هر حمله‌ای شده و آن را از سایر دول مستثنی کرده است. به همین علت است که گفته می‌شود جامعه اسرائیل جامعه‌ای نظامی و «یک ملت مسلح» است که همواره در انتظار جنگ به سر می‌برد. در فرهنگ امنیتی اسرائیل چند فرض اساسی وجود دارند که عبارت‌اند از:

۱- تهدید برای اسرائیل، تهدید بقا است. بر این اساس، خطرات امنیتی اسرائیل، بقای آن را نشانه رفته‌اند و بسیار وحشتناک پنداشته می‌شوند و این امر بیشتر به سبب ماهیت غاصبانه و شیوه تأسیس کشور براساس اشغال سرزمین‌های دیگران است. تهدیدی که مقامات این رژیم در مراحل مختلف حیات رژیم اسرائیل احساس کرده‌اند برخلاف تهدیدی است که سران هر کشور معمولی دارند. آن‌ها تهدید را بخشی از جمعیت یا سرزمین و یا حکومت و حاکمیت، بلکه برای کل جمعیت، سرزمین و حاکمیت خود می‌دانند و از این رو، مسئله بودن یا نبودن مطرح است.

۲- اسرائیل دارای محدودیت‌های فراوانی است. از نظر سرزمین، اسرائیل هیچ گونه عمق استراتژیکی ندارد و با توجه به این که گفته می‌شود، فناوری موجب کم اهمیت شدن جغرافیا شده است و یا به قول ریمون آرون، «براساس قانون دگرگونی، ارزش نظامی، جمعیت شناختی و اقتصادی قلمرو در اثر تحول روش‌های جنگ و تولید همراه با روابط و نهادهای انسانی دگرگون می‌شود،» اما هنوز هم این یک واقعیت است که برای کشورهایی که در فشار سرزمینی قرار دارند، ژرفای راهبردی امری حیاتی انگاشته می‌شود. همچنین، جمعیت اندک و اقتصاد کوچک و تحریم شده از سوی کشورهای منطقه، از این رژیم جزیره‌ای کوچک در میان مجموعه گسترده و پهناور کشورهای مسلمان و عرب و در محاصره آن‌ها ساخته است.

۳- استثنا بودن مفهوم امنیت در اسرائیل. همه شرایط بالای امنیت را برای رژیم صهیونیستی به صورت موضوعی درآورده که با کشورهای دیگر جهان متفاوت است.

این فرض‌ها موجب شکل گیری چند اصل در سیاست امنیت ملی اسرائیل شده است که عبارتند از:

الف- ایجاد یک استراتژی بزرگ امنیتی که بر همه چیز سیطره دارد. در اسرائیل مسئله امنیت و قدرت بر همه چیز سایه افکنده است و اقتصاد، سیاست، جامعه و سیاست خارجی در چارچوب آن معنا می‌یابد.

ب- ایجاد یک ملت مسلح، به طوری که همه مردم سربازانی پنداشته می‌شوند که سالی ۱۱ ماه در مرخصی به سر می‌برند. تشکیل نیروهای نظامی بر پایه خدمت نظام وظیفه اجباری با پشتیبانی نیروهای بسیار گسترده ذخیره آموزش دیده و قابل بسیج در ظرف مدتی کوتاه از مهم‌ترین مسائل مورد توجه مقامات اسرائیلی بوده است.

ج- اصل خودکفایی. اثرات روانی و فرهنگی تاریخ یهودیان و انزوای آن‌ها به میل خود و یا تبعیض در اروپا، مانع علاقه و احترام آن‌ها به دنیای خارج شده و در اصل خود را اقوام برگزیده در نظر می‌گیرند، و این احساس در نسل‌های متوالی به نوعی خوداتکایی بدبینانه منجر شده بود. این موضوع، به ویژه از آن جهت که ممکن بود فشارهای خارجی مانع از برخی اقدامات آن‌ها در برخورد با مردم فلسطین و اعراب شود، به تلاش برای دستیابی خودکفایی به فناوری‌های جدید منجر شد.

د- در عین وجود روحیه بالا، ضرورت یافتن یک حامی بزرگ خارجی هیچ گاه از نظر اسرائیل دور نمانده است به طوری که در مراحل اولیه، به انگلیس و بعدها به آمریکا تکیه کرده‌اند.

از این فرض‌ها و اصولی که برای سیاست امنیتی اسرائیل مطرح شد، دکترین نظامی آن رژیم مبتنی بر اصول زیر شکل گرفته است:

۱- اصل بازدارندگی: احساس خطر از جانب کشورهای مسلمان و به ویژه پس از شکست اولیه اسرائیل در جنگ کپور ۱۹۷۳ موجب شد تا دکترین نظامی آن به این سمت حرکت کند که تل آویو باید از چنان قدرت نظامی برخوردار باشد که هیچ دولتی جرئت حمله به آن را نیابد. اما سابقه این اصل به سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد و از آن زمان، رژیم اسرائیل همواره بر سیاست‌های بازدارندگی برای جلوگیری از حملات خارجی تأکید کرده است. چون مرزهای محدود و جمعیت اندک، اسرائیل را از سوی کشورهای مسلمان آسیب پذیر کرده است، از همان آغاز مقامات رژیم اسرائیل نسبت به ایجاد یک قدرت نظامی برای ترساندن رقیب از حمله اهتمام ورزیده‌اند. اسرائیلی‌ها مدعی‌اند که بازدارندگی هسته‌ای موجب شد که مصر در سال ۱۹۷۳ از یک حمله محدود به اسرائیل پا فراتر نگذارد و ترس و واهمه صدام از تلافی جویی گسترده اسرائیل موجب شد که عراق از به کارگیری جنگ افزارهای شیمیایی یا میکروبی خود علیه اسرائیل در طول جنگ خلیج فارس خودداری کند.

۲- اصل هشدار استراتژیک: چنانچه اصل بازدارندگی نتواند موفق باشد و یک قدرت خارجی به فراهم آوردن نیرو و توان لازم مبادرت ورزد و یا جرئت حمله به اسرائیل را بیابد، نظام اطلاعاتی اسرائیل باید پیش از حمله، باخبر شود و به سرعت هشدار لازم را بدهد تا با اتخاذ اقداماتی نظیر ضربات پیشگیرانه و تهاجم پیش دستانه، مانع از نابودی خود شوند. درگذشته در مراحل مختلف، اسرائیلی‌ها مبادرت به چنین اقداماتی کرده‌اند و حمله به راکتور هسته‌ای اسیراک عراق در سال ۱۹۸۱ و سوریه در سال ۲۰۰۷، نمونه‌های از این سیاست می‌باشد. مارک هیلر، نویسنده اسرائیلی، اصل مزبور را چنین تبیین می‌کند، «قابلیت نیروهای عرب در تغییر سریع وضعیت از حالت دفاعی به حمله موجب شده است تا سیستم اصلی نظامی اسرائیل بر اساس هشدار سریع استوار گردد. علاوه بر آن، اصول و استراتژی نظامی ارتش بر اساس انجام فعالیت‌های پیشگیرانه مؤثر علیه دشمنان خویش که قصد دستیابی به توان جدیدی دارند یا گام‌های جدیدی را برای افزایش توان خود برمی‌دارند، استوار گردید». اما باید به حمله ۷ اکتبر اشاره کرد که علاوه بر فروپاشی بازدارندگی اسرائیل، سیستم اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل در اجرای اصل هشدار استراتژیک شکست خوردند و حماس توانست آن‌ها را غافلگیر کند.

۳- اصل پیروزی قاطع و سریع: این اصل برای مواردی در نظر گرفته شده است که حتی سیستم هشدار سریع نیز نتواند عمل کند و نیروهای کشور دیگری وارد خاک اسرائیل شوند و نیز مواردی که رژیم اسرائیل اقدام به تجاوز به خاک کشورهای دیگر می‌کند. در چنین مواردی نیروی نظامی اسرائیل، باید به شیوه‌ای کوبنده و سریع پیروز شود و این اقدامات نیز در خاک دیگران انجام شود. گفته می‌شود که اسرائیل حتی نباید یک بار هم شکست بخورد.

این‌ها اصول اساسی دکترین نظامی اسرائیل بود که عمدتاً در فضای سال‌های دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ میلادی و بیشتر برای مقابله با تهدیدات متعارف شکل گرفته بود. اما مجموعه تحولاتی که در دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ در منطقه و جهان روی داد، همگی بر دکترین نظامی اسرائیل تأثیرگذار بوده‌اند. سقوط اتحاد جماهیر شوروی و از دست رفتن حامی اعراب خود یک تحول بنیادین در این عرصه بود. انقلاب در ایران، جنگ اول خلیج فارس، حملات موشکی عراق به اسرائیل، حملات ۱۱ سپتامبر، جنگ دوم خلیج فارس، جنگ‌های ۳۳ روزه لبنان و جنگ غزه از جمله این تحولات هستند. شاید بتوان عامل مهم دیگر را موفقیت اسرائیلی‌ها در قانع کردن سران دولت‌های عربی به بی نتیجه بودن اقدامات نظامی و ایجاد ترس در میان آن‌ها با استفاده از سیاست ابهام هسته‌ای تل آویو دانست که از اواخر دهه ۱۹۷۰ به روند تدریجی سازش کمک کرده است.

یکی از مباحث مهم در زمینه سلاح‌های هسته‌ای و شاید مهم‌ترین جنبه آن که کشورها را راغب به تهیه این سلاح‌ها می‌کند، موضوع بازدارندگی هسته‌ای است. بازدارندگی به همه تدابیری اطلاق می‌شود که به یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها به منظور جلوگیری از انجام اقدامات خصمانه که ممکن است یک کشور یا مجموعه‌ای از کشورها متجاوز برضد آن کشورها مرتکب شوند، اتخاذ می‌کنند. این امر با برانگیختن ترس و وحشت در طرف مقابل و یا منصرف ساختن او از توسل به هرگونه اقدام تجاوزکارانه صورت می‌گیرد.

یک ماه قبل از حمله هسته‌ای آمریکا به ژاپن در سال ۱۹۴۵، اولین آزمایش هسته‌ای در نیومکزیکو روی داد. جی رابرت اوپنهایمر، طراح اصلی سلاح هسته‌ای، پس از مشاهده آزمایش، برخی از ابیات شعر مذهبی هندوها را به خاطر آورد: «اکنون من به مرگ تبدیل شدم، تخریب کننده جهان‌ها، در انتظار لحظه‌ای که سرنوشت شوم آن‌ها فرا رسد». چند ماه بعد برنارد برودی کتاب سلاح کامل را به چاپ رساند، که در آن کتاب وی به این موضوع پرداخته که قدرت سلاح‌های هسته‌ای تخریب کننده و وحشتناک آن چنان بود که این گونه سلاح‌ها بازدارنده‌ای ترسناک از حمله خواهند بود و در آینده وظیفه اولیه نیروهای مسلح جهان پیروزی در جنگ‌ها نخواهد بود، بلکه جلوگیری از جنگ خواهد بود.

اندیشه بازدارندگی موضوع جدیدی در عصر هسته‌ای و روابط بین الملل نیست. در واقع بازدارندگی، تلاشی است جهت نفوذ و تأثیرگذاری بر رفتار به وسیله اقدام به تهدید احتمالی برای واردکردن ضربه‌ای تنبیهی که این ضربه بسیار بزرگتر از سود و مزیتی است که طرف متخاصم ممکن است از قصد و نیت اولیه خود در پی آن باشد.

اولین نوع بازدارندگی را بازدارندگی ساده، غیرفعال، یا نوع اول می‌نامند و دومی را بازدارندگی گسترده، فعال یا نوع دوم. البته از زمان انحلال سازمان ورشو و فروپاشی شوروی این بازدارندگی مربوط به هر نوع حمله تهاجمی علیه ناتو می‌شود. انتقاد کلی از بازدارندگی گسترده آن است که کسب توانایی اتمی تلافی جویانه از سوی شوروی سابق به عنوان یک ابرقدرت رقیب، این گونه بازدارندگی را بسیار خطرناک کرده بود. فرض بر آن است که چنانچه بازدارندگی ساده دوجانبه شود، بازدارندگی گسترده خنثی خواهد شد؛ زیرا چنین بازدارندگی ممتدی مستلزم شروع حمله‌ای هسته‌ای است. عده‌ای از صاحب نظران برخلاف این استدلال کرده‌اند و معتقدند که عدم اطمینان از معقول بودن دولت مورد حمله قرار گرفته برای جلوگیری از تجاوز متعارف علیه منافع حیاتی وی کافی است. بازدارندگی می‌تواند تحت تأثیر «ماهیت دولت» و «نوع رژیم» قرار گیرد. بیشتر نظریه پردازان ادعا کرده‌اند که برای موفقیت استراتژی بازدارندگی باید دولت‌ها و سیاستمداران معقول باشند.

معمولاً در بازدارندگی، عمل متقابل یا تلافی جویانه نقش اساسی دارد. این پیام باید طوری باشد که اگر دشمن، جنگ را آغاز کند، بهای سنگینی را بپردازد. بازدارندگی بین دو دولت الف و ب عبارت است از قدرت تهدید از ناحیه الف علیه ب به منظور پیشگیری از آغاز جنگ از ناحیه ب، به نحوی که در فقدان این قبیل تهدیدات ب بتواند به جنگ مبادرت ورزد. اگر بازدارندگی از طریق سلاح‌های سنتی و غیرمتعارف انجام گیرد، آن را بازدارندگی متعارف گویند؛ یعنی تهدید به رنج از طریق سلاح‌های متعارف صورت می‌گیرد و برعکس اگر تهدید به رنج از طریق سلاح‌های هسته‌ای انجام گیرد، آن را بازدارندگی هسته‌ای گویند. از آنجاکه درد و رنج سلاح‌های هسته‌ای شدیدتر از سلاح‌های متعارف است، لذا تهدید به آسیب رسانی از طریق سلاح هسته‌ای آثار بازدارندگی بیشتری خواهد داشت. بازدارندگی هسته‌ای ممکن است «کلی یا آنی» و نیز حداقل باشد. بازدارندگی کلی یا آنی سیاستی است که تمام دارندگان سلاح‌های هسته‌ای در آرزوی به دست آوردن آن هستند ولی در عمل تنها عده‌ای توان آن را دارند. لذا این نوع بازدارندگی در اختیار ابرقدرت‌هاست.

اسرائیل به منظور تحقق اهداف راهبردی خود در خاورمیانه، سیاست بازدارندگی را در دو سطح متعارف و غیرمتعارف اعمال کرده است. دستیابی به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و ادوات نظامی، ورود به جنگ‌های گسترده یا محدود با کشورهای عربی به منظور تحقق اهداف راهبردی این رژیم در منطقه بوده است. با گذشت زمان اسرائیل به این نتیجه رسید که با اتکا به سلاح‌های متعارف قادر نخواهد بود تا اهداف خود را محقق سازد، بنابراین تصمیم گرفت تا به گزینه دیگری روی آورد. رویکرد این کشور به گزینه هسته‌ای درست در زمانی بود که اسرائیل در گزینه نخست با چالش‌هایی روبه رو گشت. بنابراین اسرائیل گزینه هسته‌ای خود را با سرعت بیشتری دنبال کرد و سلاح‌های هسته‌ای را در راهبرد نظامی خود جای داد.

لازم به یادآوری است، روش‌هایی که اسرائیل از آن‌ها به عنوان نیروی بازدارنده در برابر کشورهای عربی استفاده کرده است، روش‌های جدیدی نیستند. بلکه به دلیل نگرانی مستعمری که این رژیم از زمان تأسیس تاکنون نسبت به محتمل بودن موجودیتش داشته است، روش‌های بازدارنده به کار گرفته شده توسط این رژیم نیز از همان آغاز تأسیس، ضرورت و اقتضای خود را از دست داده‌اند. در این باره لازم به یادآوری است که اسرائیل تنها چند هفته پس از تأسیس خود، اقدام به ساخت خمپاره‌ای به نام «دافیدکا» کرد. هدف اصلی این رژیم از ساخت این خمپاره، ایجاد یک نیروی بازدارنده روحی و روانی بر ضد ارتش‌های عربی بود. پس از آتش بس سال ۱۹۴۸، اسرائیل برای توپ‌های خود بمبی ساخت که از لحاظ تأثیر واقعی مانند بمب‌های معمولی بود اما این بمب دارای صدای وحشتناکی بود که تأثیر آن ده‌ها برابر بیشتر از بمب‌های کنونی بود. این توپ‌ها تأثیر بد خود را بر روی ارتش‌های عربی عملاً بر جای گذاشت. همچنین اسرائیل همواره تلاش می‌کند تا به منظور حفظ برتری کیفی خود بر همسایگانش، سیاست ارعاب و تهدید را ادامه دهد، شاید این سیاست، بقای این رژیم را تضمین کند.

در مورد سیاست‌های فوق، یکی از ژنرال‌های رژیم اسرائیل می‌گوید: «استراتژی امنیتی ما همواره بر این مهم تصریح کرده است که ارتش اسرائیل باید به طور مستمر قدرت بازدارندگی خود را حفظ نماید و چنانچه بازدارندگی کافی نبود بر ارتش اسرائیل لازم است که کار را با جنگ یک سره کند. ما هرگز بازدارندگی را در مقابل جنگ قرار نداده‌ایم، بلکه ما بازدارندگی و جنگ را دو روی سکه می‌دانیم. پس بازدارندگی به معنای قدرت ورود به جنگ است. حال اگر بازدارندگی مؤثر واقع نشد، خواه این امر از ارزیابی غلط دشمن از توانایی‌های ما باشد و خواه دشمن بر این عقیده باشد که می‌تواند به اهداف خود در جنگ دست یابد حتی اگر دشمن موفق به یک جنگ نشد- در این صورت آن نیروی بالقوه به یک نیروی عملیاتی و بالفعل در میدان جنگ تبدیل می‌شود.»

این رژیم همچنین کشورهای عربی را از این که در برقراری یک توازن بین خود و این رژیم موفق شوند، بازداشته است. به طوری که آن‌ها نتوانند در مواقع ضرورت به تعیین خط مشی بپردازند. لذا اسرائیل به خوبی می‌داند که امکان تداوم بقایش جز از طریق حفظ برتری نیروهایش بر نیروهای عربی همجوار، امکان پذیر نیست. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین اهداف استراتژی نظامی این رژیم حفظ موازنه میان خود و کشورهای منطقه است. همچنین این رژیم هرگاه که احساس کند این موازنه به نفع اعراب تغییر کرده است یا این که کشورهای عرب همجوار از توان و قدرت بیشتری به ویژه در زمینه تسلیحاتی برخوردارند، دست به جنگ‌های گسترده‌ای خواهد زد.

بدین ترتیب اسرائیل همواره تلاش کرده تا برتری قدرت بازدارندگی خود را بر همسایگان عرب حفظ نماید. درنتیجه نسبت به بقای خود مطمئن خواهد شد؛ زیرا هرگونه شکستی برای اسرائیل به منزله پایان موجودیت آن رژیم خواهد بود. ژنرال «حییم بارلو» رئیس ستاد ارتش اسرائیل در سال ۱۹۶۸ اذعان داشت: «درسی که ما از جنگ ۱۹۶۷ آموختیم این بود که توسط کشورهای غنی از لحاظ منابع و نیروهای انسانی احاطه شده‌ایم، اما قادر هستیم نه تنها موازنه قوای بین خود و همسایگان را حفظ کنیم، بلکه می‌توانیم این موازنه را در جهت منافع و مصالح خود بهبود بخشیم. جنگ ۱۹۶۷ برای ما ثابت کرد تفاوت میان اعراب از آنچه در جنگ ۱۹۵۶ بود، بیشتر بود و این تفاوت بیشتر از آن چیزی بود که در جنگ ۱۹۴۸ وجود داشت.» نکته اساسی در دکترین امنیتی اسرائیل از زمان تأسیس آن رژیم تاکنون، نیروی بازدارنده‌ای بوده که ارتش اسرائیل آن را برای انصراف کشورهای عربی از شروع جنگی علیه اسرائیل به کار برده است. براساس این دکترین هنگامی که جنگی از سوی دشمن آغاز شود، در صورت عبور دشمن از خطوط قرمز باید انتقال جنگ به منطقه کشور آغازگر جنگ و اشغال منطقه‌ای از اراضی آن کشور و با واردکردن ضربه‌ای کوبنده بر نیروهای نظامی، آن کشور را تنبیه و مجازات کرد. همچنین براساس این دکترین در صورت شکست عملیات بازدارندگی، باید به عملیات نظامی بر ضد نیروهای مهاجم در مرحله اولیه دست زد. بدین ترتیب توسل به یک عملیات تهاجمی متقابل، صحنه نبرد به سرزمین دشمن منتقل خواهد شد.

جنگ ۱۹۷۳ و رویدادهای پس از آن آثار عمیقی بر تفکر راهبردی اسرائیل بر جای گذاشت؛ اسرائیل به رغم این که از پیشرفته‌ترین سلاح‌های متعارف برخوردار بود، در همان چند روز اول جنگ، بسیاری از امکانات و تجهیزات خود را از دست داد. این کشور به این نتیجه رسید که ورود به یک جنگ طولانی با اعراب، خسارت‌های جانی، مالی و اقتصادی بالایی به آن وارد خواهد کرد و موجب خواهد شد تا فضای نگران کننده‌ای در جامعه اسرائیل حاکم گردد، بنابراین دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌تواند به اعتبار و موقعیت این رژیم در میان یهودیان بیفزاید. عامل دیگری که در رویکرد اسرائیل به بازدارندگی غیرمتعارف مؤثر بود، شرایط خاصی بود که پس از جنگ ۱۹۷۳ برای اسرائیل در منطقه و جهان پیش آمد. اسرائیل پس از این جنگ چه در سطح خاورمیانه و چه در سطح بین المللی در انزوا به سر می‌برد؛ مجامع بین المللی قطعنامه‌هایی را صادر کرده بودند که سیاست‌های اسرائیل را در قبال اراضی عربی که در جنگ ۱۹۶۷ اشغال کرده بود، محکوم می‌کرد. این قطعنامه‌ها همچنین سیاست‌های اسرائیل را در قبال فلسطینی‌ها محکوم می‌کرد. از سوی دیگر کشورهای عربی مطالبات فراوان سیاسی و منطقه‌ای را در خصوص مناطق اشغال شده از اسرائیل داشتند. دستیابی اسرائیل به سلاح اتمی می‌توانست به انزوای این رژیم پایان دهد و به اعتبار و موقعیت این رژیم در میان کشورهای خاورمیانه بیفزاید. نکته دیگر آن که اسرائیل از قدرت متعارف خود رضایت کامل نداشت. همان طور که اشاره شد، این رژیم پس از شکست اولیه در جنگ ۱۹۷۳ به این نتیجه رسید که در جنگ با کشورهای عربی، سلاح متعارف کارایی لازم نخواهد داشت؛ زیرا در آن جنگ آنچه که اسرائیل را از ورطه نابودی نجات داد، کمک‌های گسترده نظامی آمریکا به این رژیم بود. اسرائیل پس از شکست تصمیم گرفت تا با روی آوردن به گزینه اتمی، همه اعراب را از اندیشه تجاوز به اراضی اشغالی بازدارد و هم از اتکای خود به کمک‌های آمریکا بکاهد. بدین ترتیب تمام ملاحظات فوق در تصمیم اسرائیل مبنی بر دستیابی به سلاح هسته‌ای مؤثر بوده است. اسرائیل با توجه به ملاحظات فوق به تولید و ذخیره سازی بمب اتمی پرداخت تا اگر روزی احساس کرد امنیت و موجودیتش در معرض خطر قرار گرفته، سلاح مزبور را علیه دشمن خود به کار گیرد.

اما آنچه در هفته‌های اخیر به اثبات رسیده، بازدارندگی هسته‌ای اسرائیل در برابر گروه‌های مقاومت در اطراف این دولت کارساز نیست و اصولاً قادر به کارگیری سلاح هسته‌ای در سرزمین‌های اطراف خود نیست. از این رو باید بازدارندگی متعارف و غیرمتعارف این رژیم را شکست خورده فرض کرد که برای بازیابی آن باید دست به اقداماتی بزند که ممکن است بقای خود رژیم را با نابودی قطعی روبه رو سازد.

انتخابات آینده در قاب امنیت ملی

ادامه از صفحه اول

این بازی خطرناکی بود که دامن ارزش‌های دموکراسی در آمریکا را گرفت و آن‌ها را دچار گرگی چون ترامپ کرد که آخرین میخ را به تابوت لیبرال دموکراسی در آمریکا زد.

۲- انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ با مشارکت ۸۵ درصدی، يك رکورد بالا برای مردم سالاری دینی بود. اما آمریکا و سه کشور شرور اروپایی با کارگردانی سرویس‌های موساد، سیا و ام آی ۶ تصمیم گرفتند شرایط را با اهرم‌هایی که در دست داشتند به هم بزنند. از دل آشوب‌های سال ۸۸ سه شعار کلیدی بیرون آمد:

الف- انتخابات بهانه است اصل نظام نشانه است.

ب- مرگ بر اصل ولایت فقیه

ج- روز قدس همان سال، شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران سر دادند.

فریب خوردگان جاهل و غافل داخلی در تور جنگ نرم دشمن افتادند و رقابت را بردند به سمت و سوی لکه دار کردن مردم سالاری دینی و ناکارآمد نشان دادن نظام مبتنی بر ولایت فقیه و زیر سؤال بردن ارزش‌هایی که امام، شهدا و انقلابیون برای برپایی نظام الهی جانفشانی کردند. یک طرف رقابت به ساز دشمن رقصید و صدای طبل جنگ نرم را به اقصی نقاط ایران و جهان رساند.

۳- رهبری معظم انقلاب اسلامی هوشمندانه در برابر این توطئه و دسیسه جهانی علیه انقلاب اسلامی و مردم سالاری دینی ایستاد و از رأی مردم و مشروعیت آن سخن گفت و دفاع کرد. رهبری از رأی ملت به عنوان يك امانت الهی یادکردند و صیانت از آن را برای حفظ مردم سالاری دینی لازم دانستند و انتخابات تراز انقلاب اسلامی با ویژگی «امنیت»، «سلامت»، «رقابت»، «اخلاق محوری» و «شایسته گزینی» را تداوم بخشیدند.

۴- برخی رؤسای جمهور و رؤسای مجلس و نیز نمایندگان و برگزیدگان ملت در خبرگان رهبری و شورای اسلامی شهرها به ویژه آن‌ها که چهره ملی داشتند زیر چرخ رقابت‌های انتخاباتی ملکوك شدند برخی از آن‌ها در ملکوك شدن خود به دلیل خروج از خط امام و انقلاب و عدم «مراقبت» و «محاسبه» نقش داشتند. این رویکرد آسیب جدی به سرمایه اجتماعی نظام زد و میزان رقابت و مشارکت سیاسی را آسیب پذیر ساخت این آسیب پذیری، دشمن را به طمع انداخت امنیت ملی را به خطر بیندازد.

۵- جنگ غزه که اکنون در داخل به عنوان يك دوگانه و دوقطبی «خیر و شر»، «حق و باطل» و «شرافت و شرارت» خودنمایی می‌کند و حتی این دوقطبی نه تنها در دنیای اسلام بلکه در کل جهان صف آرایی خود را روز به روز شفاف تر می‌کند، يك رونمایی جدی از چهره کسانی است که طی چهار دهه در جمهوری اسلامی در زمین دشمن بازی می‌کردند و می‌کنند. جنگ غزه نشان داد چه کسانی در ایران به بهانه‌های واهی، مردم سالاری دینی را سیاه نشان می‌دادند و نظام سیاسی کشور را به مفاهیمی نسبت می‌دادند که آن مفاهیم نه در ایران بلکه در رژیم صهیونیستی و نظام جنایتکارانه آمریکا و هم پیمانان آن و به خصوص در نظام لیبرال دموکراسی می‌توان سراغ آن را گرفت.

۶- مردم سالاری دینی در ایران دارای قواعد و قوانین عقلانی است. کسانی که در عقلانیت این قواعد شبهه پراکنی می‌کنند همان کسانی هستند که در برابر جنایات، ددمنشی‌ها و کشتارهای بی‌رحمانه رژیم صهیونیستی سکوت کرده‌اند و از تل آویو و سرویس‌های موساد و سیا فرمان می‌گیرند. آن‌ها نمی‌خواهند مردم سالاری دینی رقیب جدی برای لیبرال دموکراسی باشد. آن‌ها از «زوال لیبرالیسم» در غرب اندوهگین هستند. آن‌ها سازه‌های دولت و مجلس و نظام قضائی را با «نفوذ» و «ناکارآمدی» می‌خواهند بی اعتبار کنند.

۷- مردم در انتخابات آینده برای پاسداشت مردم سالاری دینی به پای صندوق‌های رأی خواهند آمد. مردم برای صیانت از امنیت ملی به پای صندوق‌های رأی خواهند آمد. مردم برای این که پرچم ایران در عرصه جنگ حق علیه باطل به ویژه در فلسطین اشغالی و آزادی قدس در جهان برافراشته بماند به پای صندوق‌های رأی خواهند آمد و به دروغ‌ها، تهمت‌ها و شبهه پراکنی جریانی که منافع رژیم صهیونیستی را در ایران نمایندگی می‌کند، وقعی نخواهند گذاشت.

گواهی می شود فاکتور اتاق به شماره ۱۱۲۸۳۱۳۱۷٦٦ به شماره شاسی ۸۳٤۳۷۷٥۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت و برگ سبز مینی بوس تیپ ۵۰۸/ مدل ۱۳٦۳ به رنگ کرم قرمز روغنی به شماره موتور ۳۳٤۹۱۱۱۰۰۹٦۸٥٥ و شماره شاسی ۱۱۱۳٥۱٦۳۰۰۸۰۳٤ به شماره انتظامی ۱۷-٦۱۱ع٤٦ به نام ابوبکر احمدی فرزند حسن به شماره ملی ۲۸۷۰٥۸۸۱۰۰ به شماره شناسنامه ۳٤۱ متولد ۱۳۳۸ صادره از مهاباد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک موقت تحصیلات اینجانب آیت صادقی حسنوند فرزند سیاوش به شماره ملی ۱۹٦۰۲۹۸٦۲۳ متولد ۱۳۷۱ صادره از مسجدسلیمان در رشته کامپیوتر گرایش نرم افزار مقطع کاردانی فارغ التحصیل از واحد سما دانشگاه مسجد سلیمان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به نشانی مسجد سلیمان: دانشگاه آزاد مسجد سلیمان واحد امور فارغ التحصیلان ارسال نماید.

برگ گمرکی - سند مالکیت (برگ سبز) کارت خودرو تویوتا لکسوس رنگ مشکی مدل ۲۰۱۱ به شماره انتظامی ایران ۹۳ - ٦۱٥ق ۸۳ شماره موتور ۲GRJ٤۰٥٦٥۹ شماره شاسی JTJBK۱۱A۱B۲٤۳٦۸۱٤ به مالکیت میلاد گرمنجانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب محمد رضایی فیروز مالک خودروی پژو سواری ٤۰٥ جی ایکس آی به شماره موتور NAAM۰۱CA٦۹R۲۹۰۰۷۰ به شماره موتور ۱۲٤۸۸۰۳۱٤۸۱ به شماره پلاک ۷۲ - ۷٥٥ص٤٥ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی سند خودروی مذکور را نموده است لذا چنانچه احدی ادعایی درخصوص خودروی فوق دارد ظرف مدت ده روز به دفتر منطقه ای ساری واقع در کیلومتر ٥ جاده ساری به نکا جنب شرکت شمالیت مراجعه نمایند بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز خودرو پژو سواری ٤۰٥ جی ایکس آی مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۷۲ - ۷٥٥ص٤٥ به شماره موتور ۱۲٤۸۸۰۳۱٤۸۱ و شماره شاسی NAAM۰۱CA٦۹R۲۹۰۰۷۰ به نام محمد رضایی فیروز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

قرارداد شماره ۱۳۳/٤۱٤٦ - ۸۸/۲/۱ فی ما بین اداره کل راه و شهرسازی استان همدان و اینجانبان حمید خزایی و علی جگروند - موضوع: واگذاری یک قطعه زمین به مساحت ۸۹/۱٤ متر مربع به پلاک ثبتی ۲۹٦۰ دارای پلاک شماره ۲٥۳۷ فرعی از ۳/٥۲ اصلی واقع در بخش یک نهاوند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. در صورت وجود هرگونه ادعایی از سوی هر شخص اینجانبان پاسخگو خواهیم بود و اداره راه و شهرسازی هیچگونه مسئولیتی ندارد.

قرارداد شماره ۱۳۳/٤۰۷٥ - ۸۷/۸/۸ فی ما بین اداره کل راه و شهرسازی استان همدان و اینجانبان جواهر سهرابی و واحد موسوی - موضوع: واگذاری یک قطعه زمین به مساحت ۱٥٥/۳۰ متر مربع از پلاک ۱ از فرعی ۲٥٥۳ الی ۲٥٥٦ اصلی واقع در بخش یک نهاوند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. در صورت وجود هرگونه ادعایی از سوی هر شخص اینجانبان پاسخگو خواهیم بود و اداره راه و شهرسازی هیچگونه مسئولیتی ندارد.

برگ سبز سواری ریسپکت پرایم مدل ۱٤۰۲ به شماره پلاک ۱٤۲ب۲۱ ایران ۱٦ و شماره موتور BMCE٤T۱٥CBMPB٦۰۲۷۰ و شاسی NAGK۱A۳۱DP۱۰۰۲۸۷۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه اسناد مالکیت موتورسیکلت تاسوکی cdi مدل ۱۳۸٥ به رنگ مشکی شماره پلاک ایران ۳۲٦ - ۸٤٤۹۱ شماره شاسی NFJ۱۲٥T۸٥۳۰۸۲٤ شماره موتور ۰۰۰۰۰۲۱٦ به نام فاطمه رضازاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری کوییک هاچ بک به شماره موتور M۱٥/٥۰٤۳۲۹٦ به شماره شاسی NAS۸٦۱۱۰۰P۱۰٦۲۷۲۲ به نام راحله خداینده لو با کد ملی ٤۳۷۱٤۸۲۲۹٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژو ٤۰٥ به رنگ نقره ای مدل ۱۳۸٥ به شماره پلاک ۲٥ - ٦٥٤م٦۸ به شماره موتور ۱۲٤۸٥۲۰۱۲۷۹ شماره شاسی ۱۲۲۰۲٥۱۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

فاکتور فروش و سند کمپانی (مادر) سواری هاچ بک پژو ۲۰٦ مدل ۱۳۸٦ به رنگ خاکستری به شماره انتظامی ۷۳٥ص۸۳ ایران ٦۲ به شماره موتور ٤۱٦٥۷۷٥ شماره شاسی ۲۱٥۰۷۲۸۰ به نام مرتضی احمدزاده سورکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه مالکیت خودرو) تراکتور کشاورزی ITM ٤۷٥ مدل ۱۳۹٤ به رنگ قرمز روغنی به شماره انتظامی ایران ٦۲-۲۳٥ک۱٥ به شماره موتور MT٤A۲W۳۲۹٤C شماره شاسی ۱۲۱۳۹N۳HKTAD۲CFEQ به نام محمدرضا زارع ابوکی فرزند رمضانعلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت ماشین و فاکتور فروش سیلندر به شماره ۹۸۰٦٦۷۱۲ مورخ ۱۳۹۸/٦/۲٦ مربوط به خودرو سواری پژو ۲۰٦ به شماره انتظامی ٦۹ - ۲۷۹د۱۱ و شماره موتور FSS۱٤۷٤۷٥۹۷ و شماره شاسی ۸۳٦۲۹٥٦۳ به مالکیت سیدصالح حسینی لاریجانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت برگ سبز سواری پژو هاچ بک تیپ ۲۰٦ مدل ۱۳۸٥ به شماره انتظامی ۲۷ - ۱۷۱ق٤٦ شماره شاسی ۱۰۸٥٤۱۷۲ شماره موتور ۱۳۰۸٥۰۲۱۹۹۹ به مالکیت آریا جوانی احمدآباد فرزند هوشنگ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز (شناسنامه) متعلق به یک دستگاه خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید به شماره پلاک ۷۱۷م٦۹ ایران ۹٥ به شماره موتور ۱۲٤۹۰۱۱۱۳۱۳ شماره شاسی NAAN۰۱CA۷BK۱۰۲۳۳٦ به نام عادل ناروئی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز (شناسنامه) و پلاک خودرو وانت نیسان به شماره پلاک ۱٦۷م٤۱ ایران ۲٤ به رنگ آبی روغنی مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ٥٤۷۰٦٥ به شماره شاسی NAZPL۱٤۰TBN۲٥۳۳٤٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه طبابت جناب آقای دکتر ابوالفضل بختیاری به شماره نظام پزشکی ۱٦۸۹٤٤ و شماره پروانه طبابت ۱۸۲ - ۱٦۸۹٤٤ - ۳۳۷ و معتبر به تاریخ ۱٤۰۲/٤/۱۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مجوز حمل سلاح و مهمات شکاری سلاح ساچمه زنی دولول کنار هم کالیبر ۱۲ مدل کوسه به شماره سلاح DSH۸۱۰۲٥٦۳ ساخت ایران به شناسه ۰۰۱۲۳۸٦٤٦۲ به نام حجت اله ناظری قادیکلائی فرزند شعبان شماره شناسنامه ۱٤۰۳ تاریخ تولد ۱۳٤۱/۱۱/۳ شماره ملی ۲۱٦۱٤٤۹٤٤۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

به اطلاع می رساند برگ سبز سواری سمند ال ایکس مدل ۱۳۸٤ شماره شاسی ۱۷٦۱٦٤٤٤ شماره پلاک ۸۹ - ۹۱٥د۲٥ رنگ خاکستری به نام شکراله محمدیاری کد ملی ٥۰۸۹۸۱۰۳۲۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز (شناسنامه مالکیت) خودرو سواری سمند ال ایکس مدل ۱۳۹۲ رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۸٤٤ل۲۸ ایران ۱٤ به شماره موتور ۱۲٤K۰۲٤٥۹٤۸ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۷DF٦۳۷۰۷٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز - کارت ماشین وانت دوکابین سیستم مزدا تیپ CARA۲۰۰۰I به رنگ سفید مدل ۱٤۰۲ شماره پلاک انتظامی ایران ۷۱ - ٤۷۲ص۸۱ شماره موتور E۲R۲A۱۹٦۹ و شماره شاسی NAGP۲PC۳۲PA۳۰۷۲۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و برگ سبز و بنچاق مینی بوس فیات رنگ آبی مدل ۱۳٦۲ به شماره انتظامی ٦۲۲ع۳۳ ایران ۳۳ و شماره موتور ٥۰۳۹۷۷ و شماره شاسی ۳۰۱۲۱۳۱ به نام عبداله صفری شال مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز تاکسی پژو تیپ ROA به رنگ زرد خورشیدی با نوار شطرنجی مشکی مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۱۳ - ٥٦۹ت۲۳ به شماره ۱۱٦۸۷۰٥۰۹۸۸ به نام محمد دلشادی به ش ش ٥٤۷ صادره از گلپایگان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و کارت خودرو پژو ۲۰٦ آریان SD مدل ۱۳۸٦ به رنگ نقره ای متالیک پلاک ٦۸ ایران ۲٥۱ق۳۸ به شماره موتور ۱۳۳۸٦۰۰٤٥۰۱ به شماره شاسی ۱۸۹۱۸۲۷۳ به نام غلامرضا پورملوحی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت راهور (برگ سبز) کامیون باری فلزی بنز ٦۰۸ به شماره موتور ۱۰۰۲٤۹۷٤ و شماره شاسی ۱۹۲٥٤٤ و شماره پلاک ٤٤٤ع۲۷ ایران ۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی نیسان مدل ٦۹ به شماره پلاک ٤٦۷ج٤۷ ایران ۸۷ به شماره موتور ۲۰۸٤۱٥ و شماره شاسی ۰٥۷۹٦٥ متعلق به محمود ستارلو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و سند کمپانی خودروی هاچ بک پژو ۲۰٦ TU۳ مدل ۹۹ به شماره پلاک ۸٤۸ی۲٦ ایران ۲۰ و به شماره موتور ۱۸۲A۰۱۱٦٤۳٤ به شماره شاسی NAAP۰۳EE۲LJ۰۳٥۸۱٤ متعلق به خانم مینا حکیمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی سواری سایپا ساینا SMT مدل ۱٤۰۱ به رنگ سفید و به شماره شاسی NAS۸٥۱۱۰۰N٥۷۲٤٤۲٤ به شماره موتور M۱٥/۹٦٦۳٤٤۳ به شماره پلاک ایران ٦۹ - ٦۲٥ب۸۳ به نام زهرا پودینه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب علی سراوانی مالک خودروی سواری رانا تیپ RUNNA+TU٥P مدل ۱٤۰۱ به شماره موتور ۱۸۸B۰۰۰۳۱۷۷ به شماره شاسی NAAU٥۱٤E۹NT۳٤۰۰۰۳ و شماره پلاک ایران ٦۹ - ۸۲٤ط۸٥ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه احدی ادعایی درخصوص خودروی مذکور دارد ظرف مدت ده روز به دفتر منطقه ای ساری واقع در کیلومتر ٥ جاده ساری به نکا جنب شرکت شمالیت مراجعه نمایند بدیهی است پس از مهلت مزبور مطابق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز خودروی سواری پراید جی تی ایکس آی به رنگ سفید شیری روغنی مدل ۱۳۸٤ به شماره موتور ۰۱۱۷۸۳۲٤ و شماره شاسی S۱٤۱۲۲۸٤٥٤۸٥۰۹ به شماره انتظامی ۹۳۱ج۱۲ ایران ۹٥ به نام محمد بامری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز - سند فروش خودروی سواری سایپا ۱۳۱EX به رنگ سفید مدل ۱۳۹۱ به شماره موتور ٤٦۲۲۷۸۲ شماره شاسی S۱٤۱۲۲۹۱۰۹۸٦۹۸ به شماره انتظامی ۷٥٥ط٦٦ ایران ۸٥ به نام اسماعیل براهوئی دومکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی سواری پژو PARS XU۷P به رنگ سفید مدل ۱٤۰۱ به شماره موتور ۱۲٥K۰۰٥۲۸۸۲ شماره شاسی NAANA۱٥E۸NH٤۰۸۹۷۲ به شماره انتظامی ۱۲٥ط۷٦ ایران ۸٥ به نام سمیه شه بخش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و برگ کارخانه و کارت کانتین چادری ایران کاوه مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۹٦٦ع۳۲ ایران ٥۲ به شماره شاسی M۷۳ND۰۰۲۷۲۷WH به نام علی قالیباف به رنگ سفید مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز - سند فروش خودروی سواری سمند سورن EF۷ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹٤ به شماره موتور ۱٤۷H۰۱۷۳٦۹۱ و شماره شاسی NAACS۱YE۸FF۸۲٦۷۷۰ به شماره انتظامی ۳۸٤ج٦٥ ایران ۸٥ به نام میثم میر مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی وانت پیکان ۱٦۰۰ مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید به شماره موتور ۱۱٤۸۹۰۲۲٤٦۸ شماره شاسی NAAA۳٦AAXAG۲۱٦۹٦۷ به شماره انتظامی ایران ۹٥ - ۹٤٤ص۱۷ به نام عیسی کرنکش مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودروی سواری پژو پارس به رنگ سفید مدل ۱۳۹۱ به شماره موتور ۱۲٤۹۱۰۲۰۳۳٥ و شماره شاسی NAAN۰۱CA٦CE۸٥۳۲۰۳ به نام مجید زاهدی به شماره انتظامی ۷٦۹د٤۲ ایران ۸٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروی پراید سواری ۱۳۱SE مدل ۱۳۹۷ به شماره انتظامی ٦۹۳م۲۱ ایران ۹٥ به رنگ سفید به شماره موتور M۱۳/٦۱٤۸٤۹٥ به شماره شاسی NAS٤۱۱۱۰۰J۱۱۱٦۰۳٥ به نام محمد امین سالارزهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت سواری پراید مدل ۸۹ به شماره پلاک ۲٥۷س٦۲ ایران ۱٦ و شماره موتور ۳٦٥۰۳۱۳ و شاسی ۱٤۱۲۲۸۹٦۳۷۸٦۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت سواری پژو پارس مدل ۹۰ به شماره پلاک ۹۸۳د٥٤ ایران ۹۳ و شماره موتور ۱۲٦۹۰۰۰٤۹۹۳ و شاسی ۰۰۲۰٥۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت سواری پژو پارس مدل ۸۳ به شماره پلاک ۷۱٦و۱۲٥ ایران ٦٥ و شماره موتور ۱۲٦۸۲۰۰٤٥۲۲ و شاسی ۸۳۸۰۰۱۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پراید ۱۳۱ مدل ۹۰ به شماره پلاک ٤٦۸ل۸۸ ایران ۱٦ و شماره موتور ۳۹۱۸٦۸۱ و شاسی S۳٤۱۲۲۸۹۸۳۲۹۷٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت سواری پژو پارس مدل ۹٤ به شماره پلاک ۷۲٥د۸۱ ایران ۹۹ و شماره موتور ۰٦٦۷٦۰۹ و شاسی ۷٥۱٦۹٥ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت سواری پراید مدل ۸۹ به شماره پلاک ۲٥۷س٦۲ ایران ۱٦ به شماره موتور ۳٦٥۰۳۱۳ و شاسی ۱٤۱۲۲۸۹٦۳۷۸٦۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اصل برگ سبز، سند فروش، کارت پلاک خودروی سواری پژو پارس ELX به رنگ سفید مدل ۱۳۹٥ به شماره موتور ۱٦۱M۰۰۰٥٦۲۰ به شماره شاسی NAAN۸۱UE٥FH۳۰۳۹٥۲ به شماره انتظامی ۱۹٥ق۱٤ ایران ۷٥ به نام کلثوم پورکرمیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اخطاریه

دفترخانه ازدواج شماره ۱۷۱ و طلاق شماره ٦۹ شهر تهران استان تهران
تهران، شهرک غرب، بلوار دادمان، پلاک ۸۸، طبقه پنجم، واحد یک
۰۲۱۸۸٥٦۲۲۸٥
مخاطب محترم با سلام
نام مخاطب: معصومه کرمی متقی

به اطلاع می‌رساند همسر شما آقای حامد تنها جهت اجرای دادنامه ۱۲۸۹۳۷۰۲ اقدام به ثبت طلاق نمودند طلاق شما به شماره ثبت ٤٤٦۲ مورخ ۱٤۰۲/۸/۲۲ دفتر طلاق ٦۹ تهران به ثبت رسید. لطفا با همراه داشتن شناسنامه نسبت به ثبت آن اقدام فرمایید.
آدرس دفترخانه شهرک غرب بلوار دادمان پلاک ۸۸ طبقه ٥

دفترخانه ازدواج شماره ۱۷۱ و طلاق شماره ٦۹ شهر تهران استان تهران
تاریخ انتشار ۱٤۰۲/۸/۲٤ خ ت ۱٤۰۲/۸/۲٤

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت دوم) شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان سردشت به شماره ثبت ۲۴

بنا به تصویب هیات مدیره جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان سردشت راس ساعت ۱۶ روز پنجشنبه مورخه ۱۴۰۲/۹/۹ در محل سالن دبستان منوچهری به آدرس سردشت خیابان وحدت تشکیل می گردد. از عموم سهامداران و اعضا محترم دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم راجع به موضوعات ذیل در روز و ساعت مقرر در محل تعیین شده حضور به هم رسانند و یا با توجه به مفاد ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی در صورتی که حضور عضوی در مجمع میسر نباشد، می تواند حق رای خود را به موجب وکالتنامه به عضو دیگر یا نماینده تام الاختیار از میان اعضا یا غیر اعضا واگذار نماید. در این صورت هر عضو می تواند علاوه بر رای خود حداکثر ۳ رای باوکالت و هر شخص غیرعضو حداکثر تنها یک رای باوکالت داشته باشد. توضیح اینکه وکالتنامه های عادی بایستی از یک روز بعد از انتشار آگهی مذکور تا یک روز قبل از تشکیل مجمع به غیر از ایام تعطیل در محل دفتر شرکت تنظیم شده و توسط بازرسان بررسی و تایید گردند و در غیر این صورت وکالتنامه رسمی عضو در مجمع بایستی به تایید یکی از دفترخانه های اسناد رسمی رسیده باشد.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیات مدیره و بازرسان
۲- طرح و تصویب ترازنامه و سایر صورتهای مالی سال ۱۴۰۱
۳- اتخاذ تصمیم در مورد تقسیم سود یا زیان سال ۱۴۰۱
۴- طرح و تصویب گزارش تغییرات سرمایه سال مالی ۱۴۰۱
۵- طرح و تصویب بودجه پیشنهادی هیات مدیره برای هزینه های سال ۱۴۰۲
۶- طرح و تصویب حق الزحمه بازرسان
۷- طرح و تصویب دستورالعمل جدید حقوق و مزایا، پاداش و حق حضور در جلسات موضوع تبصره ۳ ماده ۳۶ قانون بخش تعاون
۸- طرح و تصویب تغییرات نابرابری سهام
۹- طرح و تصویب پاداش هیات مدیره
۱۰- انتخاب ۵ نفر عضو اصلی هیات مدیره و سه نفر عضو علی البدل هیات مدیره به علت اتمام ماموریت
۱۱- انتخاب بازرسان باتوجه به اتمام مدت فعالیت آنها (۳ نفر به عنوان بازرس به صورت اصلی و ۱ نفر به عنوان علی البدل)

هیات مدیره شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان سردشت
تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۸/۲۴ خ ش ۱۴۰۲/۸/۲۴

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام شرکت جهانتابش مهر نیمروز سهامی خاص به شماره ۶۲۳۵ ثبت و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۴۳۲۳۶۵ دعوت به عمل می آید در جلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۴۰۲/۹/۶ که در ساعت ۹ صبح در محل دفتر شرکت واقع در زاهدان خ طالقانی تشکیل می شود، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
- انتخاب مدیران
- انتخاب روزنامه
- انتخاب بازرسین
- سایر موارد

مقام دعوت: اعضای هیات مدیره

تاریخ انتشار ۱۴۰۲/۸/۲۴
خ ش ۱۴۰۲/۸/۲۴